

به نام خدا

عرب خازنه

نویسنده:

کیانوش شیرمحمدی

مصحح:

مرتضی صالح پور

سرشناسه	: شیرمحمدی، کیانوش، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور	: غرب خانه/ کیانوش شیرمحمدی؛ مصحح مرتضی صالح پور.
مشخصات نشر	: تهران: اسماعیل متین فر، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۷۸ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۹۲۱-۷-۲
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: داستان های فارسی -- قرن ۱۴
شناسه افزوده	: صالح پور، مرتضی، ۱۳۵۴ - ویراستار
رده بندی کنگره	: PIR ۸۱۳۰/ی ۵۳۵۶ غ ۴ ۱۳۹۲
رده بندی دیویی	: ۳/۶۲ فا ۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۲۵۷۲۹۴

غرب خانه

- ◆ نویسنده: کیانوش شیرمحمدی مصحح: مرتضی صالح پور
- ◆ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۲۹۲۱-۷-۲
- ◆ ناشر: متین فر
- ◆ شمارگان: ۵۰۰ - نوبت چاپ: تهران، اول ۱۳۹۲ - قطع: رقعی
- ◆ چاپ و صحافی: نسیم
- ◆ قیمت: ۳۰۰۰۰ ریال

در بین برخی از عشایر کشور ما در گذشته های دور که تحرکات مربوط به کوچ عشایر به صورت پیاده، بسیار سخت و طاقت فرسا بوده و تحمل آن برای سالمندان میسر نبوده است، معمولاً عشایر، سالخوردگان فرسوده را در قشلاق باقی می گذاشته اند که بسیاری از آنها به علت بی غذایی یا گرمای تابستان جان می دادند. چنانچه سالمند به همراه قبیله خود کوچ می کرد و در راه قادر به حرکت نبود، او را در غارهای بین راه یا در محلی که به این منظور درست می کردند با مقداری آب و غذا باقی می گذاشته و به کوچ خود ادامه می دادند. در بازگشت از بیلاقی، چنانچه سالمند مورد نظر هنوز زنده مانده بود او را به قشلاق برمی گردانند و اگر مرده بود بقایای جسد او را دفن می کردند. این محلها را در قبیله بویراحمد «غرب خانه» و در بختیاری «غار دالو» می نامیدند.

۱. «غرب خونه» یا «غرب خونه» عشایر بویراحمدی در گذشته در مواقع کوچ و در زمانی که لازم است با سرعت از بیلاقی به قشلاق بروند، همراه بردن سالمندان با معلولین برایشان مشکل است، در بین راه بخصوص در محل هایی که احساس می کنند قادر به حمل سالمند یا معلول خود نیستند، محلی را به وسعت حدود ۹ متر مربع بوسیله سنگ و کلوخ محصور می کنند و سالمند ناتوان را روی بیل خیری در وسط آن می گذارند و مقداری آب و نان کنار او قرار می دهند و دست او را می بوسند و در حالیکه زنان ایل شیون می کنند از او دور می شوند و سالمند می ماند در انتظار اینکه با خوراکی حیوانات وحشی بشود و یا از گرسنگی یا نشنگی چند روز بعد فوت کند. (فصل نامه کوچ، انتشارات اتحادیه مرکزی تعاونیهای عشایری ایران، شماره ویژه بهار ۱۳۶۲، صفح ۱۰۲ - ۱۱۰)

غرب خونه را در برخی منابع به «خرقت خانه» تعبیر کرده اند. نگارنده، از مصاحبه با عشایر بویراحمدی دریافته است که معنای آن «نکبت خانه» یا «خانه بدبختی و سیه روزی» است در برخی منابع هم خانه دور از وطن همراه با درماندگی یا غریب خانه ذکر شده است (پوشنگ فارسی، دکتر محمد معین، ج ۲، ص ۲۴۰۸).

باقیمانده غرب خانه به صورت غارهایی در روستاهای «اسیر»، «آرو» و «فتح» در بین باسوج و گچساران وجود دارد، در روستای «اسیر» از این غار در گذشته برای بیماران روستا استفاده می شده است در جلوی غار مجسمه شیری با آهک و سنگ ساخته شده است (از گزارش دانشجویان همراه با عکس).
۲. باقیمانده «غار دالو» در روستای «خاتون حلب» یا «خانی ثعلب» در محل دشتک بختیاری وجود دارد. در گزارشی چنین آمده است: «ایلی به هنگام غربت در گرمسیر به سردسیر و به خاطر سختی مسیر عبور از دره و رودخانه و کوهها و ابتدایی بودن امکانات سفر و حمل بار و اسباب زندگی، امکان حمل افراد پیر و از کار افتاده که خود عاجز از طی مسیر باشند را ندارد به همین جهت در طول مسیر و در نقاط استراحت شده ای، پناهگاهی که خود «غار دالو» می نامند را در نظر گرفته و پیرها را در آن جای می دادند. لازم به ذکر است که بیشتر زنان ناتوان و پیر را به جای می گذاشتند. البته پیرمردان نیز شامل این قاعده می شده مگر در مواقعی که پیر از وجهه و موقعیت خاصی برخوردار بود، در آن صورت به هر زحمت حمل می شده است یا بوسیله پسران خود یا با صرف هزینه و کمک گیری از مردان ایل یا وسیله ای شبیه نردبان که پیر را به آن می بسته اند.